

فلسفه و تاریخ هنر

آثار هنری دوره‌های مختلف را میتوان از چند نظر بررسی و مطالعه نمود . نخست روانکاوی و روانشناسی هنرمند یا هنرمندان ، سپس تاثیر زیبایی شناسی در هنر و بالاخره درک معنی یا فلسفه هنر . ۲

در این رهگذر ، تاریخ هنر به یاری ما آمده و ما را در شناخت بهتر پدیده های هنری راهبر میگردد زیرا تاریخ هنر در مطالعه و بررسی آثار هنری با روش ویژه اش ضمن تاریخ نگاری ، سبک و مکتب اثر (یا آثار) مورد نظر را معین و مشخص میکند که بی شک این موضوع بایک ترتیب تاریخی ، روانشناسی ، جامعه شناسی و صنعت آن مردم و دیار همراه است . در هنر تنوع و دگرگونی زیاد است بدین سبب پی آمد هنر غارهای آلتامیر و لاسکو و غیره را نمیتوان عیناً و کاملاً " در مکاتب هنری دوران بعد جستجو نمود زیرا هر یک از آنها ناشی از فعل و انفعالات و تخیلات انسانهایی است که شاید از هر نظر با گذشته خود کمتر شبیه بودند و هنرمند چون فضانوردی که بر سفینه ای نشسته و در فضای لابنتاهی پرواز میکند ، گاهی نتیجه افکارش به ابداع و خلق آثاری بس نوین و شگفت منجر میگردد که با معیارهای عادی زمان خود سازگار نیست .

شناخت اندیشه هنرمندان ، اغلب ما را با عقاید و افکار مذهبی آنها آشنا میسازد که گاهی مبتنی بر سحر و جادو و گاهی همراه با فلسفه اعتقاد به زندگی پس از مرگ را در بر دارد ولی در هر صورت طبیعت اطراف هنرمند و جانداران در ترسیم و خلق نقوش و

تصاویر بی‌تاثیر نبوده است .

برخی از دانشمندان برای دست یافتن به این موضوع به بحث‌های زیاد، در زمینه قالب محسوس هنر، تکنیک هنر، روح هنر، احساس هنرمند، اصالت احساس هنرمند و انحراف احساس هنرمند پرداخته و در پایان "غایت کمال هنر" را جستجو میکنند. ۳. در این راه تغییر و تحولات زندگی هنرمندان نیز مطالعه ما را دشوارتر میکند مثلاً "مطالعه آثار پیکاسو احتیاج به آشنائی با تاریخچه زندگی او دارد و بهمین دلیل است که هنرشناسان کارهای هنری پیکاسو را به چند دوره تقسیم کرده‌اند از ۱۹۰۱ الی ۱۹۰۴ دوره آبی، ۱۹۰۵-۱۹۰۷ دوره سرخ، ۱۹۰۷-۱۹۱۰ دوره سیاه و از ۱۹۱۰-۱۹۱۷ دوره کوبیسم که این تغییرسبک و جهت‌ها خود بیانگر عدم اعتماد و رضایت پیکاسو از سبک‌های قبلی خود، که خودواضع آنها بوده است - میباشد که این موارد از لحاظ جامعه‌شناسی قابل بررسی است زیرا هنرمند همیشه انعکاسی از عصر و زمانش بوده و نبوغ خلاقش مشعل فروزانی است که همواره در حرکت، جنبش و پیشرفت میباشد و بی‌شک رویدادهای زمان در اندیشه هنرمند تاثیر داشته و هنرمند آن را بنحوی در آثار خود منعکس و منتقل مینماید. از این روست که آثار هنری معرف تحولات زمان بوده و بخوبی جزو مد و طوفانهای طبیعت و زمان را نشان میدهد.

هنر انسان دیرینه سنگی با هنر دوران میان سنگی تفاوت بسیار دارد و هنر دوران میان سنگی با هنر دوران نوسنگی نیز فرق‌هایی دارد که این تفاوت‌ها نتیجه تکامل و پیشرفت آناتومی بشر و تکنولوژی زمان است که در دست ساخته‌های انسانی متجلی میگردد. و یکتور رومانکو در این باره میگوید "تماس عملی با طبیعت، تمام دانشمندان برجسته علوم طبیعی را نسبت به زیبایی جهان پیرامونشان بینهایت حساس میکند و از آنها شاعران واقعی میسازد. انیشتین، پیوترلیه دف، فیزیکدان روسی را بزرگترین شاعر قرن بیستم خواند، کسی که اشعه خورشید را "گرفت" و "وزن کرد" یعنی فشار نور را تعیین کرد. . . . همین چیز را، اگر چه، بشکلی کمتر واضح میتوان در مورد تمام مردم گفت، "۴ و باز در جای دیگر میگوید زیبایی طبیعت، با پیوستگیهای پیچیده‌اش میتواند دنیای پیچیده‌ای از اندیشه‌های زیبایی‌شناسانه را بوجود آورد. ۵

بنابراین نباید زیبایی‌شناسی را به ذهنیت انسان تنزل داد و مدعی شد که منحصر "به ذهن ما تعلق دارد. در واقع زیبایی‌شناسی هم تصور ماست و هم موضوع عینی تصور

ما. آنچه که ما بطور ذهنی به عنوان لذت زیبایی شناسی تجربه میکنیم حالتی است که بواسطه تاثیر متقابل احساس ما و موضوع عینی به وجود میآید. بنابراین احساس زیبایی شناسانه همانند هر احساس دیگری، عینی است. شیلردر این باره معتقد است که "اگر چه زیبایی در واقع برای ما یک موضوع عینی است. از آنجا که با زتاب شرط احساس زیبایی از طرف ماست، باز در عین حال زیبایی یک حالت ذهن ماست، زیرا ذهن شرط داشتن تصور زیبایی از جانب ماست. همچنین زیبایی مشکل است از آن جهت که ما به آن میانندیشیم در عین حال زندگی است از آن جهت که ما آن را احساس میکنیم. خلاصه آنکه زیبایی در یک زمان هم حالت ماست و هم کنش ما." ۷۰

هنر در هر دوره‌ای وظیفه‌ای سازنده‌ای دارد که از لحاظ تزئینی و تاریخی قابل بحث است و این تاریخ هنر است که از ورای نقش‌های ساده تزئینی هر اثر، مفاهیم مذهبی و پندارهای زمان را بیرون کشیده و روشن مینماید و گاهی مفاهیم مذهبی خود باعث ایجاد سبک و مکتبی میگردد که از نظر طبقه بندی و کروبولوژی آثار هنری ارزش فراوانی دارند بدین سبب فلسفه و تاریخ هنر همراه یکدیگر در مطالعه هر اثر هنری بکار گرفته میشوند که بیشک سعی و کوشش همه هنر شناسان و مورخین تاریخ هنر بر این پایه است که یک پیوند اصولی بین فلسفه و هنر زمان باستان، با آثار هنری بجا مانده از آنها بوجود آورند تا هر چه بیشتر به واقعیت نزدیک گردند.

در سالهای اخیر موضوعاتی مانند حوزه وجود و واقعگرایی، واقعگرایی و تکامل تاریخی آن، آرمان و تهرمان در هنر و غیره مورد بحث قرار گرفته است. ۸. زیرا واقعگرایی به عنوان یک شیوهی خلاق خاصیت ذاتی هنر نیست بلکه یک پدیده‌ی تاریخی است که از یک مرحله معین در تکامل دانش هنری سرچشمه گرفته است یعنی از دورانی که مردم ناکزیر یا کوش خود برای درک طبیعت و روند تکامل اجتماع رو به روشدند " دورانی که مردم، ابتدا بطور غریزی و سپس آگاهانه شروع کردند به آگاه شدن از این که اعمال انسان نتیجه هوسپهای نفسانی یا مقدرات الهی نیست بلکه به واسطه و علل واقعی، یا دقیقتر علل عینی است " روش واقعگرایی در هنر همراه با آگاهی از نیروهای نهفته‌ی تکامل یافت که مکانیسم مناسبات اجتماعی را مقید میکنند.

سنت و بدعت نیز در کار هنرمندان تاثیر داشته و در بیشتر آثار هنرمندان این موضوع دیده میشود زیرا سنت و بدعت فرم یا چیزی است که " اجتماع " و " زمان " به هنرمند القا

میکنند و چون هنرمند در زمان خود با سنت‌های زمانه زندگی کرده و جو گرفته است این قالب یا فرم‌ها را به راحتی در کارهایش منعکس میکند. ولی هستند هنرمندانی که با گسستن و کنار گذاشتن شیوه معمول، گاهی در خلاف جهت دیگران سبک یا شیوه نوینی پایه‌گذاری یا خلق کرده‌اند که از هر نظر سازنده و مهم است.

منابع

- ۱- لورنس هنتر، روان‌کاوی و روانشناسی هنرمند، ترجمه دکتر پرویز فروردین تهران ۱۳۵۱ صفحات ۲۶-۱۳
- ۲- هریبرت رید، معنی هنر، ترجمه نجف دریابندری، تهران ۱۳۵۲ صفحات ۱۴۵-۱۴۲
- ۳- احمد صبور اردویادی، اصالت در هنر و علل انحراف در احساس هنرمند، تبریز ۱۳۴۶ صفحات ۲۱۳-۲۳
- ۴- ویکتور رومانکو، "زیبایی طبیعت" زیبایی شناسی نوین ترجمه مهدی پرتوی، تهران صفحات ۱۰۱-۹۹
- ۵- همان اثر صفحه ۱۱۲،
 ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۶- ایوان استاخف، "رابطه میان یک پیشگویی و احساس زیبایی شناسی" ترجمه مهدی پرتوی صفحه ۱۸۱
- ۷- همان اثر
- ۸- دانشمندانی مانند بنکولای لیزروف - بوریس ساچکوف - آناتولی دریموف در این باره کار کرده‌اند.
- ۹- درباره تاریخ هنر جهان نگاه کنید به تاریخ هنری جهان ترجمه دکتر هوشمند ویژه جلد ۵-۱ تهران ۱۳۵۱ و کتاب تاریخ هنرهای مصور تالیف علی‌نقی وزیری، تهران ۱۳۳۸ و مقدمه کتاب اسناد مصور اروپاییان از ایران تالیف دکتر غلامعلی همایون تهران ۱۳۴۸ و کتب تاریخ تمدن تالیف ویل دورانت.